



فصلنامه علمی ((مدیریت دفاع هوایی))
سال اول ، شماره ۴ ، زمستان ۱۴۰۱



مقاله پژوهشی

عوامل واگرایی ایران و آذربایجان از منظر ژئوکالچر

امید جعفری زاده^۱، فرهاد حمزه^۲، سید امیرحسین مسرور^۳

۱- دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه جغرافیا سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ایران.

۳- دکتری جغرافیا سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

توسعه حوزه نفوذ فرهنگی و بهره‌برداری مطلوب از تمامی مؤلفه‌های جغرافیایی برای کاهش واگرایی با سایر کشورها، از طریق انجام تحقیقات علمی و شناسایی دقیق عناصر جغرافیایی و کدهای ژئوپلیتیکی بازیگران ممکن است. تنوع مؤلفه‌های جغرافیایی، فرهنگی و وجود بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حوزه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان دغدغه مطالعه در روابط دو کشور را در این پژوهش فراهم ساخت، لذا مسئله اصلی مطروحه در این تحقیق، شناسایی عوامل واگرایی ایران و آذربایجان در حوزه ژئوکالچر است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با روش توصیفی - تحلیل به تصویرسازی آنچه هست و تشریح دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله پرداخته است، داده‌ها از روش ترکیبی کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده و پس از تکمیل پرسشنامه توسط جامعه آماری متشکل از مطلعین و صاحب‌نظران، چگونگی ارتباطات و تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشخص شده و فرضیه مطروحه ارزیابی و نتیجه‌گیری شده است. نتایج پژوهش مؤید آن است که عواملی نظیر منافع جغرافیایی متعارض دو کشور، مداخله کشورهای برون منطقه و رقابت ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای موجب واگرایی فرهنگی دو کشور شده است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

کلمات کلیدی:

واگرایی، عوامل فرهنگی، جغرافیای متعارض، آذربایجان، ایران.



نویسنده مسئول:

امید جعفری زاده

ایمیل:

jafarizadehomid@gmail.com

استناد به مقاله: امید جعفری زاده، فرهاد حمزه، سید امیرحسین مسرور (۱۴۰۱). عوامل واگرایی ایران و آذربایجان

از منظر ژئوکالچر. فصلنامه علمی ((مدیریت دفاع هوایی)) سال اول ، شماره ۴ ، زمستان ۱۴۰۱.



Journal of Air Defense Manegment



Research Paper

Divergence factors of Iran and Azerbaijan from the perspective of geoculture

Omid Jafarizadeh¹, Farhad hamzeh², Seyed Amir Hossain Masror³

1- PhD in Political Geography, University of Air Defense, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor geo politic, Azad university , Tehran, Iran.

3- PhD in Political Geography Azad university , Tehran, Iran.

Article Information

Accepted: 1401/10/23

Receieved:1401/07/12

Keywords:

Divergence, cultural
factors, conflicting
geography, Azerbaijan,
Iran.

Abstract

It is possible to develop the field of cultural influence and optimal use of all geographic components to reduce divergence with other countries, through scientific research and accurate identification of geographic elements and geopolitical codes of actors. The diversity of geographical and cultural components and the existence of regional and extra-regional actors in the field of geoculture of the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan provided the concern of studying the relations between the two countries in this research, so the main issue raised in this research is to identify the factors of divergence between Iran and Azerbaijan in the field of geoculture. Is. This research is of an applied type and with the descriptive-analysis method, it has illustrated what is and explained the reasons for how and why the situation of the problem is, the data has been collected from a combined library (documents) and field (questionnaire) method, and after completing the questionnaire by the statistical community Consisting of informants and experts, the ways of communication and effects of independent variables on the dependent variable have been specified and the proposed hypothesis has been evaluated and concluded. The research results confirm that factors such as the conflicting geographical interests of the two countries, the intervention of countries outside the region, and the geopolitical competition of regional rivals have caused the cultural divergence of the two countries.



Corresponding anuthor:

Omid Jafarizadeh

Email:

jafarizadehomid@gmail.com

HOW TO CITE: Omid Jafarizadeh, Farhad hamzeh, Seyed Amir Hossain Masror(1401). Divergence factors of Iran and Azerbaijan from the perspective of geoculture. Journal of Air Defense Manegment.

۱. مقدمه

به نظر کارل ساور جغرافیای فرهنگی نظام علمی سازمان یافته‌ای است که در آن توجه جغرافی‌دان به ریشه فرهنگی است که سیمای کلی چشم‌اندازهای جغرافیایی را خلق کرده است، بنابراین چشم‌انداز جغرافیایی بدون مطالعه در فرهنگی که در ساخت و پرداخت آن دخالت مؤثر دارد نمی‌تواند تشریح و توجیه گردد، به بیانی دیگر با نگرشی در تاریخ و پراکندگی تمدن ملتها می‌توان نقش فرهنگ‌های سازنده و خلاق را در تکوین جوامع و شکل‌یابی آن‌ها دریافت (شرفی، ۱۳۹۴).

ژئوکالچر، یعنی اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیکی است. به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک کلاسیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر باشد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۴). مناسبات بین‌المللی فقط به روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت‌ها ختم نمی‌شود، بلکه فرهنگ و مسائل قومی از نقش و جلوه قابل توجهی برخوردارند بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که مطالعه رابطه بین فرهنگ با همه عمق و وسعت آن باسیاست و قدرت، موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ژئوپلیتیک قرار گیرد (سنایی، ۱۳۸۵).

شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد همگرایی و کاهش واگرایی‌ها در حوزه‌های ژئوکالچر صرفاً از طریق مطالعه ابعاد مختلف وجودی، کارکردی، تکوینی، مکانی و سیستماتیک این پدیده‌ها ممکن می‌باشد. بدیهی است قلمرو سازی فرهنگی و تغییر ژئوکالچر در فراسوی مرزها فقط با تعمیق عمق ژئوپلیتیکی از طریق بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های جغرافیایی در اختیار برای توسعه حوزه‌های نفوذ تمدن خودی ممکن بوده و منوط به انجام مطالعات بنیادی می‌باشد و در مقابل عدم انجام این تحقیقات موجب از دست رفتن فرصت‌ها و آسیب‌پذیری در قبال اقدامات رقبای جهانی و منطقه‌ای می‌باشد (مسرور و همکاران، ۱۳۹۸).

حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان علاوه بر اهمیت استراتژیکی بالا از تنوع و تعدد بازیگران و مؤلفه‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی برخوردار است، این دو کشور همانند سایر کشورهای فعال در عرصه بین‌الملل علاقه‌مند به قلمرو سازی و گسترش حوزه نفوذ در فراسوی مرزهای خود و بهره‌برداری مطلوب از قدرت ناشی از روابط سیستماتیک مؤلفه‌های جغرافیایی آن هستند که ضمن الفت و همسویی و سازگاری با یکدیگر کارکرد مشترک یافته و در راستای ایجاد همگرایی و کاهش عوامل واگرایی اقدام نمایند، لذا مسئله اصلی در این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر واگرایی فرهنگی دو کشور ایران و آذربایجان است؟

به‌منظور دستیابی به پاسخ مسئله پژوهشگر به دنبال اثبات یا رد فرضیه مطرح‌شده در مقابل پرسش اصلی با این مضمون است که به نظر می‌رسد مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر واگرایی فرهنگی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان شامل منافع جغرافیای متعارض، مداخله کشورهای برون منطقه و رقابت ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای دو کشور می‌باشند.

۲. پیشینه پژوهش

- سید محمد سیدی اصل (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان تبیین روابط ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد سازه‌انگاری درحالی‌که انتظار می‌رفت بعد از استقلال این کشور سطح بالای همکاری را بین دو کشور داشته باشیم، در عمل شاهد روابط سطح پایین، عادی و گاه روبه تعارض و آشفتگی هستیم. این وضعیت بر اساس رویکرد سازه‌انگاری، بررسی شده یافته‌های تحقیق نشانگر این است که روابط دو کشور تحت تأثیر سازه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد و این سازه‌ها به صورت واگرا در روابط دوجانبه عمل می‌کنند و عوامل ژئوپلیتیکی دو کشور تأثیر چندانی در روابط دوجانبه ندارد.

- محمدمهدی قاسمی گرکانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر تلاش ایالات متحده آمریکا برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع انرژی منطقه دریای خزر و دیگر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی این منطقه و در مقابل تلاش روسیه برای کنترل این منابع، و رقابت آمریکا و روسیه به عنوان دو کشور صاحب نفوذ در منطقه بر سر مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مانند نفت و گاز دریای خزر، کنترل جریان انرژی، موقعیت ارتباطی و رژیم حقوقی (به عنوان یک عامل درون منطقه‌ای) را سبب تشدید رقابت میان بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دریای خزر می‌داند.

- جواد طالبی ورزنه (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تأثیر ژئوپلیتیک قفقاز بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیده که ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ی قفقاز از یکسو و اهداف متضاد با سیاست‌های ایران در منطقه از سوی دیگر، موجب شده تا سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قفقاز با مشکلات و موانع متعددی روبه‌رو گردد. وی همچنین به حضور قدرت‌های بین‌المللی و بحران‌های منطقه قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران پرداخته است.

- علی سعادت قلی پور آذر (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود با عنوان نفوذ اسرائیل در قفقاز جنوبی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد منطقه قفقاز جنوبی یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک در اوراسیای مرکزی است که به لحاظ دارا بودن منابع غنی انرژی، بازارهای مصرف، برخورداری از ویژگی‌های دموگرافیکی و ژئوپلیتیکی خاص پس از فروپاشی شوروی از اهمیت قابل توجهی برای نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای برخوردار شده مورد توجه رژیم صهیونیستی واقع شده و حضور و نفوذ این رژیم روز به روز در حال افزایش است. و جدای از روابط دیپلماتیک و رسمی اسرائیل با کشورهای این منطقه، این رژیم توانسته است در ساختارهای نظامی و امنیتی، نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها، نهادهای علمی، فنی و اقتصادی نفوذ کرده و با تأسیس نهادهای مورد نظر جای پای محکمی در منطقه داشته باشد.

- مصطفی قادری حاجت (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آسیای مرکزی با اشاره به فروپاشی نظام دوقطبی، آسیای مرکزی را به عنوان بخش جنوبی از قلمرو هارتلند می‌دانند که طبق نظریه مکیندر، هویت جغرافیایی سیاسی مستقل پیدا کرده و به عنوان فضای فاقد قدرت تأثیرگذار، به عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمان

منطقه‌ای تبدیل شده فقدان قدرت تأثیرگذار و نوپایی جمهوری‌های آن، زمینه دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در این حوزه استراتژیک فراهم کرده است.

محمدرضا حافظ نیا عوامل زیر را به عنوان عوامل واگرایی می‌داند:

- گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه ساز به خصوص در مقیاس محلی و منطقه‌ای. زیرا سازه‌های منطقه‌ای عموماً نیاز به کالبد فضایی - جغرافیایی اعم از خشکی، آبی یا هر دو دارند؛

- گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی. کشمکش‌های دوره جنگ سرد بین دنیای شرق و غرب به رهبری شوروی و آمریکا و نیز منازعه اعراب و اسرائیل در خاورمیانه نمونه‌های ایدئولوژیکی آن می‌باشد. نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون نیز بر همین پایه قرار دارد؛

- تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی، نظیر توسعه حوزه نفوذ در مناطق دچار خلأ قدرت و نیز رقابت قدرت برای سیادت منطقه‌ای و جهانی؛

- بروز تعارضات درون ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضاء نسبت به یکدیگر، به‌ویژه آن‌هایی که دارای وزن ژئوپلیتیکی متوازن می‌باشند (نظیر ترکیه، ایران و پاکستان در اکو)، یا احساس تهدید امنیتی نسبت به همدیگر؛

- محو شدن اهداف و یا تهدیدات مشترک اعضا؛

- وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا متداخل که می‌تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث ازهم‌پاشیدگی آن بشود؛

- بروز تحولات درون ساختی هر یک از اعضاء در زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و غیره. نظیر فروپاشی پیمان سنتو با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران؛

- رقابت اقتصادی که منعکس‌کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه‌داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزان‌تر می‌باشد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

۳. روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به لحاظ ویژگی‌های موضوع روش مورد استفاده، روش توصیفی تحلیلی است، بر این اساس مؤلفه‌های جغرافیایی طبیعی و انسانی تأثیرگذار بر روابط فرهنگی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تبیین شده و با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله پرداخته شده است. همچنین با توجه به ماهیت موضوع، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش ترکیبی کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (پرسشنامه) استفاده و با استناد به اسناد و منابع مکتوب و اطلاعات شفاهی مطلعین که با تکمیل پرسشنامه توسط جامعه آماری متشکل از مطلعین و صاحب‌نظران تکمیل و چگونگی ارتباطات و تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشخص شده و فرضیه مطروحه ارزیابی و نتیجه‌گیری شده است. به لحاظ اینکه برخی از داده‌ها فاقد جنبه عددی می‌باشند تجزیه و تحلیل یافته‌ها با روش ترکیبی تحلیل کیفی و بر اساس برداشت نگارنده از نظریه‌های جغرافیایی دکتر محمدرضا حافظ نیا شامل: ۱- نظریه عوامل موجب همگرایی ۲- نظریه عوامل جغرافیایی موجب واگرایی و ۳- نظریه تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی

استفاده شده و تحلیل کمی داده‌ها بر اساس آمار و جداول حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های اخذ شده به وسیله نرم افزار spss انجام شده است. جامعه نمونه آماری ۳۰ نفر از پاسخ‌گویان که به صورت تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری و آلفای کرون باخ محاسبه گردید که عددی برابر با ۰/۸۶۶ بدست آمد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱ موقعیت ژئوکالچر ایران و تأثیرگذاری فرهنگی آن

ایران به خاطر حیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران که قلب سیاسی جهان اسلام به شمار می‌رود و فرهنگ سیاسی مخالف با رژیم‌های استکباری را ارائه کرده است، تبدیل به یک ساختار سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی شده است و روزبه‌روز مهم‌تر می‌شود. از نظر فرهنگی، موقعیت ژئوکالچر ایران بسیار ممتاز است. ایران امروزه با یک دامنه فرهنگی فارس‌زبانان از کردستان ترکیه و عراق تا افغانستان و قلب آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی دارد. هم‌چنین با یک دامنه فرهنگی شیعی، از افغانستان و پاکستان در شرق، تا عراق و لبنان در غرب و آذربایجان در شمال و بحرین در جنوب، نفوذ مذهبی چشم‌گیری دارد. تأثیر این نفوذ را می‌توان در معادلات فرهنگی، سیاسی و نظامی منطقه جنوب غرب آسیا دید (واحدی، ۱۳۸۲).

بیشترین عامل همگرایی یا مرکزگرایی اقوام ایرانی، عامل مذهبی می‌باشد. شیعه دوازده‌امامی، مذهب مشترک نزدیک به اتفاق لرها، گیلانی‌ها، مازندرانی‌ها، تپورها، تات‌ها، فارس‌ها، سیستانی‌ها، لک‌ها و تیموری‌هاست. وجدان و حافظه مشترک تاریخی و زبان مشترک، دیگر عوامل همگرایی استوار میان این قوم‌ها است در این مورد می‌توان به همسانی فرهنگی بین آذری‌های ایران با سایر ساکنین مرکزی کشور استناد نمود. آذری‌ها در متغیرهای لهجه و احساس قومیت با اکثریت ملت ایران، یعنی فارسی‌زبان‌ها تفاوت دارند؛ اما در متغیر دین و مذهب (شیعه) و نیز تکلم به زبان رسمی کشور یعنی با اکثریت ملت مشترک‌اند و برخی نخبگان آن‌ها رهبری فکری و مذهبی شیعیان را در ایران و خارج از کشور بر عهده داشته‌اند. منطقه آذری نشین ایران با آذری‌های قفقاز در سه متغیر زبان، قومیت و مذهب همسان‌اند؛ زیرا قبل از معاهدات گلستان و ترکمن‌چای آن‌ها به صورت یکپارچه بخشی از ایران تاریخی و باستانی را تشکیل می‌دادند. نکته اینجا است که هرچند آذری‌های ایران کنونی وجوه مشترک بیشتری با آذری‌های قفقاز و ساکن در آن‌سوی مرزدارند، ولی گرایش شدیدی نسبت به ملت ایران نشان می‌دهند و خود را جزء لاینفک آن می‌دانند (واحدی، ۱۳۸۲).

۴-۲ موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان را می‌توان به طور خلاصه در موارد ذیل برشمرد:

۱- قفقاز از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارای موقعیت چهارراهی و گذرگاهی است. بنابراین آمدوشد انرژی و نیرو و کالا و مسافر در آن صورت می‌گیرد و به آن نقش می‌دهد. اما پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، این منطقه به تصرف روس‌ها درآمد و به منطقه‌ای بسته تبدیل شد.

- ۲- جمهوری آذربایجان در مقایسه با سایر جمهوری‌های شوروی به جهت منابع وسیع نفت از موقعیت ممتازی برخوردار است
- ۳- در راستای تجارت نفت در منطقه موقعیت جغرافیایی این کشور امکان توسعه تجارت با کشورهای هم‌جوار و فرا منطقه‌ای را فراهم می‌سازد.
- ۴- هم‌جواری آذربایجان با کشورهای ایران، روسیه، اکراین و ترکیه برقراری روابط اقتصادی تجاری از راه خشکی به‌ویژه با بهره‌گیری از خطوط لوله انتقال نفت و گاز موجود و یا توسعه آن را تشویق می‌کند.
- ۵- مهم‌ترین بخش استراتژیک جغرافیای آذربایجان به جزیره آب‌شوران است. این شبه‌جزیره به طول ۶۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر، در شرق جمهوری در ساحل غربی خزر و مشرف بر دریا و در مرکز آن قرار دارد. این پیشروی خشکی نقش نظامی مهمی در کنترل پهنه دریا دارد و همانند شبه‌جزیره سیسیل برای پیمان ناتو در دریای مدیترانه است. ایجاد پایگاه نظامی در این شبه‌جزیره می‌تواند توازن قوای منطقه را برهم بزند و به نظامی شدن دریای خزر منجر شود. استقرار پایگاه نظامی امریکا یا ناتو در این شبه‌جزیره، ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را تحت نظارت خواهد داشت.
- ۶- حدود ۳۰ درصد جمعیت جمهوری در این شبه‌جزیره استقرار داشته و از پرتراکم‌ترین نواحی جمعیتی جمهوری می‌باشد. در دوره جنگ سرد این منطقه مرکز استقرار لشکر جنوبی اتحاد شوروی برای عملیات جنوب در این شبه‌جزیره مستقر بود (مسرو و همکاران، ۱۳۹۸).
- ۷- جمهوری آذربایجان کشور محصور است که به‌رغم دارا بودن خط ساحلی در دریای خزر، از دسترسی به دریای آزاد محروم است، بهترین راه ترانزیت این به اقیانوس از طریق جمهوری اسلامی ایران میسر می‌باشد در این رابطه جمهوری آذربایجان خود کشور ترانزیتی برای جمهوری‌های گرجستان و فدراتیو روسیه جهت عبور از ایران و رسیدن به اقیانوس هند و خلیج فارس محسوب می‌شود.
- ۸- موقعیت این جمهوری نسبت به همسایگان غربی‌اش وضعیت برتری است. جمهوری گرجستان و ارمنستان و حتی ترکیه می‌توانند از طریق این جمهوری و عبور از دریای خزر راه مناسبی جهت دسترسی و ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی از جمله تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان در ساحل شرقی دریای خزر در اختیار داشته باشند.
- ۹- حضور روسیه در قفقاز برای تأمین امنیت و رفع نگرانی‌های خود است زیرا همسایه بلافاصل قفقاز است. بنابراین هر نوع تحرک در مرزهای جنوبی روسیه در قفقاز جنوبی موجب احساس نگرانی روسیه می‌شود. در عین حال حضور نیروهای فرا منطقه‌ای به‌ویژه نیروهای امریکا و یا پیمان ناتو، سبب احساس تهدید روسیه خواهد شد. امریکا با حضور در جمهوری آذربایجان و منطقه دریای خزر تنها به دنبال نفت نیست. خزر قلب اور سیاست و اوراسیا قلب هارتلند. هارتلند در آغاز قرن بیستم مطرح شد و در آغاز دوره جنگ سرد به اوج رسید و به دنبال آن برای جلوگیری از توسعه قلمرو غول کمونیسم آن را با طرح در برگیری مهار زدند (افشردی، ۱۳۸۸).

۱۰- جمهوری آذربایجان برخلاف همسایه غربی خود ارمنستان از نظر منابع انرژی به‌ویژه نفت خام بسیار غنی است و به‌عنوان یک عرضه‌کننده مهم تجهیز است و وسایل حمل‌ونقل صنعت نفت قلمداد می‌گردد. ۷۲ تولید نفت آذربایجان که حدود ۲۴۴ هزار بشکه نفت در روز می‌شود از فلات قاره دریای خزر تأمین می‌گردد. نفت خام حوزه‌های آذربایجان به علت سبک بودن، در صد ناچیز سولفور و حجم زیاد بازدهی بنزین، حائز اهمیت فراوان است.

۱۱- رادار قبله در منطقه‌ای مرتفع و کوهستانی با دره‌های عمیق در نزدیکی رودهای قاراجای، گوجالاق چای واقع شده و به جهت وجود باقی‌مانده باروهای شهر خرابه (چوخور قبله)، که قدمت آن به قرن ۴ پیش از میلاد می‌رسد مشهور شده است. ساخت ایستگاه رادار قبله در سال ۱۹۷۸ آغاز و در سال ۱۹۸۴ به پایان رسید و در ۱۹۸۸ به بهره‌برداری رسید. این ایستگاه ۲۱۰ هکتار مساحت دارد. بر اساس فرمان مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ رئیس‌جمهور آذربایجان کلیه تجهیزات و تأسیسات نظامی شوروی در قلمرو جمهوری آذربایجان جزو دارایی‌های جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود. در سپتامبر ۱۹۹۹ دفتر ریاست جمهوری کلینتون به مسکو پیشنهاد کرد که روسیه را در تکمیل رادار اصلی کمک رساند و در سیستم هشداردهنده اطلاعات زودرس امریکا سهم سازد، به شرطی آنکه روسیه با مذاکرات مجدد پیمان ضد موشک بالستیک موافقت کند به‌طوری‌که ایالات‌متحده بتواند یک سیستم موشکی دفاع ملی را ایجاد کند. ایستگاه رادار قبله شبیه رادار پچورا در روسیه است که امکانات آن اجازه می‌دهد هر جسم بزرگ‌تر از توپ فوتبال را در فضا ردیابی کند. این ایستگاه از ۲۰ سال پیش فعال است و در نوع خود در جهان بدون رقیب است (واحدی، ۱۳۸۲).

۱۲- همکاری با ترکیه، غرب و ایالات‌متحده.

۱۳- جمهوری آذربایجان از حیث فقر و تنگدستی اهالی ردیف اول را در میان ۱۳۲ کشور جهان به خود اختصاص داده است. بانک جهانی اعلام کرده است که ۶۸۱ درصد اهالی جمهوری زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از حیث فقر، حتی از کشورهای آفریقایی نیز عقب‌تر است.

۱۴- بحران هویت و ملت‌سازی از دیگر معضلات جدی جمهوری آذربایجان است. این جمهوری که در دوره تزاری به‌ویژه در زمان اتحاد جماهیر شوروی دارای جمعیت گوناگون (آذری، اسلاو، ارمنی، گرجی، تالشی، کرد، لزگی، یهودی) بود، نتوانست حکومتی بر مبنای ملت آذری بر پا دارد.

۱۵- دوتکه بودن کشور، بدون پیوستگی جغرافیایی و نبود امکان برقراری ارتباط مستقیم با یکدیگر جدا بودن جمهوری خودمختار نخجوان از خاک اصلی آذربایجان با مساحت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰۰ هزار نفر به‌عنوان بخش برونگان جمهوری آذربایجان مشکلات زیادی را برای این کشور فراهم آورده است. به همین جهت بخش غربی کشور به‌صورت جمهوری خودمختار اداره می‌شود (سنایی، ۱۳۸۵).

۳-۴- علایق و کدهای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

ایران به‌عنوان یک واحد مستقل سیاسی حاضر در منطقه، دارای علایقی به شرح زیر می‌باشد:

۱- تعیین رژیم حقوقی مناسب برای دریای مازندران با شرکت سایر کشورهای ساحلی که در آن

منافع ملی کشور حاصل شود.

۲- استفاده از مواد خام و منابع اولیه‌ی منطقه.

۳- تلاش برای انتخاب خاک ایران به عنوان مسیر خطوط لوله‌ی انتقال انرژی منطقه، زیرا ایران امن ترین، کوتاه ترین و درعین حال اقتصادی ترین مسیر به شمار می آید.

۴- جلوگیری از دست‌اندازی دیگران به منابع نفتی کشور در حوضه‌ی خزر

۵- استفاده از موقعیت ترانزیتی ایران برای حضور و نفوذ در قفقاز.

۶- استفاده از منابع آب دریای مازندران و مسائل وابسته به آن (مثل منابع داخل و بستر آن اعم از ماهی‌ها، خاویار و سایر منابع).

۷- حفظ قوانین مربوط به آزادی کشتیرانی در دریای مازندران.

۸- حفظ قوانین مربوط به آزادی تجارت در دریای مازندران (مسرور و همکاران، ۱۳۹۸).

۹- تلاش برای متقاعد کردن شرکت‌های نفتی جهت سرمایه‌گذاری در امور احداث خطوط لوله در ایران.

۱۰- استفاده از بازارهای منطقه جهت فروش کالاهای ایرانی، به‌ویژه مواد مصرفی.

۱۱- استفاده از بازارهای منطقه برای انتقال صادرات ایرن به اروپا.

۱۲- تلاش برای توسعه میادین نفت و گاز.

۱۳- واقع شدن به عنوان بازار تولیدات کشورهای فقراز (ازجمله در بخش انرژی مثل سوآپ یا شیوهی معاوضه ی انرژی).

۱۴- توسعه تجارت و همکاری‌های اقتصادی و تجاری، سرمایه‌گذاری در منابع نفتی، همکاری در بخش انرژی و سایر بخش‌ها و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای از جمله اکو.

۱۵- افزایش نقش جغرافیایی - اقتصادی ایران در شبکه‌ی ترانزیتی و ارتباطی قلب اروپا- آسیا و خلیج فارس.

۱۶- تلاش برای جذب تولیدات نفتی کشورهای منطقه ازجمله آذربایجان و تأمین نفت خام پالایشگاه‌های تبریز، تهران و اراک از این راه.

۱۷- جایگزین کردن مسیر قفقاز (ارمنستان گرجستان- اروپا) به‌عنوان جانشین مسیر ترکیه به اروپا.

۱۸- انتخاب مسیر قفقاز (ارمنستان گرجستان- اروپا) برای انتقال گاز به اروپا (امیراحمدیان، ۱۳۸۲).

۴-۴. علایق و کدهای ژئولیتیکی جمهوری آذربایجان در منطقه

آذربایجان به عنوان یک کشور و واحد مستقل سیاسی حاضر در قفقاز، دارای علایقی به شرح زیر می باشد:

۱- استقلال کامل از قدرت‌های برتر، به‌ویژه استقلال از روسیه و تقویت و تعمیق این استقلال است که با توجه به تداوم مشکلات اقتصادی و بروز مشکلات در روابط با ارمنستان به برخی قدرت‌های غربی نیز وابسته شده است. بنابراین یکی از خواسته‌های بزرگ مردم، جدا شدن از این وابستگی‌ها

می باشد. مسئله محوری در سیاست خارجی آذربایجان برقراری یک دولت مستحکم و مستقل است. در این مرحله مشکل، آذربایجان با بسیاری از مشکلات روبرو است که توسعه نهادهای سیاسی جدید، اندیشه سیاسی مورد اجماع ملت، تحول و بازسازی اقتصادی، تشکیل یک هویت ملی جدید و فراگیر و کاهش وابستگی به روسیه از طریق برقراری ارتباطهای گوناگون بین‌المللی از جمله آن‌هاست (افضلی، ۱۳۹۴).

۲- حل و فصل مناقشه‌ی قره‌باغ به نحو مطلوب و قابل قبول و دستیابی به تمامیت ارضی کشور: در آذربایجان خواست مردم کنترل مجدد قره‌باغ و اتصال جغرافیایی نخجوان به آذربایجان است. موضوع قره‌باغ یک مسئله حیثیتی برای مردم و دولت جمهوری آذربایجان تلقی می‌شود و از دست دادن آن ضربه روحی بزرگی بر هر دو وارد ساخته است. در حال حاضر اولویت اول برای دولت و مردم بازگرداندن آبرومندانه منطقه‌ی قره‌باغ به کشور و حفظ تمامیت ارضی کشور از تمامی راههای ممکن می‌باشد.

۳- کاهش تنش در روابط با روسیه: آذربایجان ضمن علاقه شدید به تعمیق استقلال خود از سلطه روسیه، به نیازهای جدی خود به آن کشور در ابعاد مختلف و به خصوص اقتصادی آگاه است ضمن اینکه از توانایی‌های روسیه در ایجاد ناامنی و برهم زدن اقدامات آذربایجان نیز آگاه است، لذا ضروری می‌بیند که تنش‌های خود با روسیه را به حداقل برساند (موسوی، ۱۳۸۲).

۴- تلاش برای اتصال به ساختارهای اروپایی از طریق برقراری مجموعه راه‌های ارتباطی شرقی - غربی اعم از راه‌های زمینی و خطوط لوله‌ی انتقال منابع انرژی: با برقراری چنین ارتباطاتی هدف کاهش سلطه روسیه نیز تا حد زیادی محقق خواهد شد.

۵- تلاش برای برقراری صلح با ارمنستان: آذربایجان به خوبی آگاه است که صادرات روان منابع انرژی و توسعه‌ی منطقه و توجه بیش‌تر غرب به قفقاز در گروی برقراری صلح در منطقه است و لذا گام‌های بزرگی در جهت برقراری صلح در منطقه برداشته است و مذاکرات صلح رؤسای جمهور دو کشور آذربایجان و ارمنستان همچنان ادامه دارد.

۶- کشف، استخراج و استفاده از منابع انرژی جهت برطرف کردن نیازهای کشور و صدور آن به خارج جهت بدست آوردن درآمدهای ارزی و حل معضلات اقتصادی

۷- بهره‌برداری یک‌طرفه و بی‌ضابطه و استفاده کامل از بخش نزدیک دریای مازندران جهت بدست آوردن منافع آن (عباسی، ۱۳۹۱).

۸- کنترل مناطق دارای خواسته‌های قومی و سرزمینی در کشور مانند مناطق استقرار اقوام لزگی و تالش‌ها.

۹- کاهش تهدید اسلام‌گرایی از طریق کنترل شدید احزاب و جریان‌ات اسلام‌گرا و طرفدار ایران، مقابله شدید با هرگونه نفوذ ایران در آذربایجان و مطرح نمودن آذربایجان بزرگ برای برون‌فکنی مشکلات امنیتی موجود در کشور و درگیر نمودن سیستم امنیتی کشور ایران. ادموند هرتزیک در این زمینه می‌نویسد:

"به‌طور کلی در آذربایجان کنونی، عدم تعادل مشخصی در زمینه‌ی فکری و فرهنگی نسبت به ایران

وجود دارد. ملی‌گرایان سکولار هم‌فکر با ترک‌گرایی می‌خواهند ایران را مانند روسیه به‌عنوان یک نیروی حاکم بیگانه و کشوری که جاه‌طلبی‌های آن در منطقه با توسعه‌ی حاکمیت قوی آذربایجان مغایرت دارد، نشان بدهند. علاوه بر این‌ها، آذربایجان در مدت ۱۰ سال از استقلال، اقدامات نابخردانه و مداخله‌جویانه و معاندانه‌ای را علیه ایران پیگیری کرده است.

۱۰- ابراز تمایل و اقدام برای عضویت در سازمان تجارت جهانی (افشردی، ۱۳۸۸).

۴-۵ علایق و کدهای ژئوپلیتیکی روسیه در منطقه

روسیه به‌عنوان یک کشور تاثیرگذار حاضر در منطقه، دارای علایقی به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- کنترل بر حوزه نفوذ سنتی خود در قفقاز.
- ۲- در اختیار داشتن و کنترل خیزش‌های قومی و مذهبی در منطقه: تلاش روسیه این است که هم مردم قفقاز جنوبی کمکی به شورش‌های قفقاز شمالی نکنند و هم شورش جدیدی توسط اقوام قفقاز جنوبی شروع نشود.
- ۳- کنترل و سهم‌شدن در منابع انرژی منطقه و خطوط انتقال آن به بازارهای جهانی.
- ۴- کنترل بازیگران منطقه‌ای ایران و ترکیه و فرا منطقه‌ای (آمریکا، اروپا، اسرائیل و...).
- ۵- جلوگیری از حضور نهادهای دفاعی امنیتی غربی در منطقه و حفظ قلمروی سنتی ژئواستراتژیکی روسیه (حداقل در محدوده‌ی شوروی سابق) (فرحزادی، ۱۳۸۷).
- ۶- جلوگیری از ایجاد محور ضد روسی توسط کشورهای منطقه و جلوگیری از شکل‌گیری هر اقدام ضد روسی در خاک کشورهای منطقه.
- ۷- بهره‌برداری از تمامی قابلیت‌های قفقاز و حفظ نفوذ روسیه در منطقه، ایجاد توازن مجدد قدرت در جهان و بازگرداندن روسیه به جایگاه یک قدرت بزرگ (امیراحمدیان، ۱۳۸۲).
- ۸- حضور قوی در اقتصاد منطقه و سهم‌شدن در منافع اقتصادی منطقه قفقاز.
- ۹- حفظ پایگاه‌های نظامی در منطقه به‌عنوان اهرمی برای رسیدن به تمامی هدف‌های ذکرشده.
- ۱۰- تلاش برای حفظ موقعیت ژئواستراتژیک خود در دریای مازندران. روسیه برای مشاع ماندن سطح دریای مازندران باهدف آزادی حضور و تردد نظامی ناوگان روسیه در این دریا صورت می‌گیرد.

۱۱- تلاش برای تأمین حقوق روس تباران باقی‌مانده در منطقه قفقاز.

۱۲- محور قرار گرفتن و رهبری حل‌وفصل مناقشات قفقاز

۱۳- تلاش در جهت گسترش همکاری‌های نظامی-امنیتی با کشورهای قفقاز.

۱۴- استفاده از قفقاز به‌عنوان پل دستیابی به خاورمیانه (چابکی، ۱۳۸۸)

۴-۶ علایق و کدهای ژئوپلیتیکی آمریکا در منطقه

امریکا در این منطقه، علایق زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- تضعیف روسیه و تقلیل میزان نفوذ آن کشور در قفقاز.
- ۲- افزایش نفوذ در قفقاز پس از جنگ سرد
- ۳- ارائه‌ی سناریوی طرح تقسیم دریای مازندران بین کشورهای حاشیه آن در جهت جلوگیری از

ارتباط استراتژیک روسیه با ایران و منتفی ساختن امکان دستیابی روسیه به جنوب و کامل کردن محاصره‌ی ایران از سمت شمال.

۴- تقویت حاکمیت و توان کشورهای قفقاز باهدف ایجاد توان عرض‌انداز کشورهای مزبور در برابر روسیه (کرمزادی، ۱۳۹۶).

۵- بهبود فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های آمریکایی

۶- کنترل منابع انرژی دریای مازندران و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه قدرت رقیب در برابر حاکمیت آمریکا بر منابع انرژی جهان.

۷- جلوگیری از گسترش بحران‌های منطقه‌ای و ایجاد امنیت نسبی لازم برای استخراج و انتقال منابع انرژی از منطقه (مسرور و همکاران، ۱۳۹۸).

۸- حضور نظامی در منطقه و افزایش همکاری‌های نظامی با جمهوری‌های قفقاز در قالب طرح‌هایی چون طرح مشارکت برای صلح و شکل دادن ترتیبات امنیتی منطقه و گسترش ناتو به شرق.

۹- منزوی ساختن ایران و اعمال فشار علیه این کشور با پیگیری سیاست همه‌چیز بدون ایران.

۱۰- سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی منطقه و افزایش همکاری‌های اقتصادی.

۱۱- کم کردن میزان تأثیرپذیری آمریکا و اسرائیل از نفت کشورهای خاورمیانه.

۱۲- حمایت از اسرائیل و فراهم ساختن فضای بیشتر جهت مانور این کشور در کشورهای مسلمان و غیر عرب (واحدی، ۱۳۸۲).

۱۳- طرح ایجاد خطوط لوله‌ی انتقال انرژی از مسیر باکو-تفلیس-جیهان و حمایت از آن با اهدافی چون حمایت از ترکیه و کم کردن نفوذ ایران و روسیه در منطقه.

۱۴- رقابت با سایر قدرت‌ها بر سر کسب امتیازات بیشتر، به‌ویژه در کنترل مسیرهای انرژی (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱).

۱۵- تلاش برای هضم بیشتر کشورهای قفقاز در ساختارهای غربی و آمریکایی:

۱۶- مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی.

۱۷- کسب سهم از بازارهای مصرف کشورهای منطقه.

۱۸- حمایت از اجرای برنامه‌های عمرانی که زمینه‌ی حضور غرب و آمریکا را در منطقه بیش‌تر می‌کند مثل اجرای برنامه تراسکا. (جاده ابریشم)

۱۹- حمایت و گسترش عملیات اقتصادی سیاسی متحدین آمریکا (اسرائیل و ترکیه در مقابل ایران، چین و روسیه (افشردی، ۱۳۸۸).

۲۰- تلاش برای افزایش حضور سهامداران و شرکت‌های خصوصی و کمپانی‌های نفتی .

۲۱- تلاش در جهت همگرایی اقتصادی کشورهای قفقاز با اقتصاد غرب اجرای پروژه‌هایی مثل تراسکا و گذرگاه بزرگ اوراسیایی ETC ماورای خزر و اجرای طرح‌های خطوط لوله شرق به غرب) که در این راستا فشار به کشورهای قفقاز برای گذر به اقتصاد آزاد قابل ارزیابی است (حسینی، ۱۳۹۷).

۲۲- بهره‌گیری از قفقاز برای ارتباط با آسیای مرکزی (مسرور و همکاران، ۱۳۹۸).

۴-۷ علایق و کدهای ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه

ترکیه در این منطقه، علایق زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- گسترش حوزه نفوذ از طریق رواج پان‌ترکیسم و ورود بی‌واسطه به منطقه و شرکت فعال در سیستم دفاعی آذربایجان و گرجستان.
- ۲- افزایش نقش آفرینی ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی.
- ۳- بدست آوردن سهم بالا در بازارهای اقتصادی منطقه (واحدی، ۱۳۸۲).
- ۴- بدست گرفتن و سهم شدن در منابع انرژی منطقه و خطوط انتقال آن به بازارهای جهانی و برطرف کردن نیازهای داخلی ترکیه به انرژی و اخذ منافع اقتصادی حاصل از ترانزیت انرژی.
- ۵- ارتقای جایگاه ترکیه در نظام بین‌الملل از طریق تقویت نقش ارتباطی خود در منطقه.
- ۶- اشاعه اندیشه ترک‌گرایی و توسعه مفهوم ژئواستراتژیک اوراسیا و بدست گرفتن رهبری جامعه بزرگ ترکی (توران) در قفقاز و آسیای مرکزی.
- ۷- تأکید بر اهمیت نقش ترکیه در منطقه و گوشزد کردن آن به اتحادیه اروپا (واثق و احمدی، ۱۳۹۲).

- ۸- ارائه مدل سکولاریسم برای کشورهای منطقه و تلاش برای پذیرش این مدل از جانب آن‌ها.
- ۹- ایفای نقش حلقه ارتباطی بین کشورهای قفقاز با غرب و قرار گرفتن به‌عنوان الگوی مناسب توسعه از جانب بعضی کشورهای منطقه (امیراحمدیان، ۱۳۸۲).
- ۱۰- کاهش نفوذ روسیه در قفقاز با کاهش نفوذ روسیه بر گرجستان و آذربایجان.
- ۱۱- قلمداد کردن منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به‌عنوان جزئی از قلمرو فرهنگی تاریخی خود (زین‌العابدین و صابر، ۱۳۹۲).
- ۱۲- رقابت با ایران و جلوگیری از پیاده شدن الگوی حکومتی آن در منطقه.
- ۱۳- اقدامات عملی گسترده و همه‌جانبه برای نفوذ در کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی با اجرای پروژه‌های مختلف عمرانی و سرمایه‌گذاری مختلف اقتصادی فرهنگی با پذیرش دانشجو، اختصاص کانال‌های ماهواره‌ای، پذیرش طلاب علوم دینی و تربیت آن‌ها و سایر اقدامات.
- ۱۴- کنترل و تأثیرگذاری بر مناسبات ارمنستان و آذربایجان در مناقشه قره‌باغ (زین‌العابدین و صابر، ۱۳۹۲).

۴-۸ علایق و کدهای ژئوپلیتیکی اسرائیل در منطقه

رژیم صهیونیستی در این منطقه، علایق زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- دسترسی به ایران و امکان ایجاد نگرانی برای ایران: به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها برای مقابله با حضور ایران در منطقه و به‌طور خاص در آذربایجان حضور پیدا کرده‌اند.
- ۲- تلاش برای حضور و نفوذ بیشتر در منطقه از راه‌های مختلف مانند خرید زمین در حاشیه مرزهای ایران و ایجاد مجتمع‌ها و کشاورزی توسط شرکت‌های اسرائیلی و در اختیار گرفتن سیستم‌های مخابراتی و تلاش برای دستیابی ناتو به منطقه (حسینی، ۱۳۹۷).
- ۳- افزایش سرمایه‌گذاری منطقه‌ای باهدف بدست گرفتن نبض اقتصادی منطقه، جایگزینی تجار

یهودی بجای تجار ایرانی و محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی ایران و حضور در مدارهای شمالی این کشورها.

۴- ترس از دسترسی دشمنان اسرائیل در خاورمیانه به سلاح‌های هسته‌ای که از طریق منطقه قفقاز قابل دسترسی است.

۵- حساسیت نسبت به سرنوشت یهودیان آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش برای ارتقای سطح موقعیت آن‌ها (نکویی و موسوی، ۱۳۹۳).

۶- جلوگیری از پیوستن کشورهای مسلمان منطقه به بلوک اسلامی در برابر اسرائیل در مجامع جهانی.

۷- افزایش مشروعیت جهانی و منطقه‌ای با برقراری روابط سیاسی با کشورهای مسلمان منطقه (زین‌العابدین و صابر، ۱۳۹۲).

۴-۹ علایق و کدهای ژئوپلیتیکی چین در منطقه

چین در این منطقه، علایق و کدهای زیر را دنبال می‌کند:

۱- ایجاد یک مانع قابل اعتماد برای جلوگیری از گسترش نفوذ ترکیه و اندیشه‌های پان‌ترکیسم به سمت بخش‌های غربی چین.

۲- ایجاد موانع برای رشد اسلام‌گرایی در منطقه.

۳- حضور و بهره‌گیری اقتصادی از بازارهای منطقه.

۴- مقابله با گسترش ناتو به شرق (مسرور و همکاران، ۱۳۹۸).

در جدول ۱ جمع‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل جغرافیایی حاصل از برداشت نگارنده از ادبیات تحقیق که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر واگرایی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تأثیرگذار بوده ارائه می‌گردد:

جدول ۱: مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان

عامل جغرافیایی	مؤلفه ژئوپلیتیکی	شاخص	صاحب‌نظران
مؤلفه‌های جغرافیایی طبیعی (منابع طبیعی)	محیط زیست	آلوده سازی دریای خزر توسط آذری‌ها موجب واگرایی دو کشور می‌باشد.	چابکی، ام‌البنین، افشردی، احدی، واحدی، مهدیان، فرحزادی، موسوی، افضلی، حسینی، قادری حاجت، زین‌العابدین، عباسی
	استخراج نفت و گاز	همکاری آذربایجان با شرکت‌های آمریکایی در زمینه منابع انرژی دریای خزر بر واگرایی دو کشور تأثیر دارد.	
	دریاچه مرزی	عدم تفاهم در مورد تقسیم خزر بر واگرایی دو کشور تأثیر دارد.	
مؤلفه‌های جغرافیایی انسانی (تاریخ)	جنگل	اقدام آذربایجان برای طرح درخواست ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی بر واگرایی دو کشور تأثیر داشته است.	
	میراث فرهنگی	درخواست آذربایجان برای ثبت میراث فرهنگی مشترک موجب واگرایی دو کشور است.	
	مفاخر فرهنگی	درخواست آذربایجان برای ثبت مفاخر فرهنگی مشترک موجب واگرایی دو کشور می‌باشد.	

عامل جغرافیایی	مؤلفه ژئوپلیتیکی	شاخص	صاحب نظران
مؤلفه‌های جغرافیای انسانی (سیاسی)	قلمرو تاریخی	حساسیت‌های ایران نسبت به حضور بیگانگان در حوزه تمدنی تاریخی خود در جمهوری آذربایجان و واگرایی دو کشور می‌باشد	صاحب نظران
	مداخله قدرت‌های جهانی	حمایت‌های آمریکا از آذربایجان در زمینه عدم تفاهم در مورد رژیم حقوقی دریای خزر بر واگرایی دو کشور ایران و آذربایجان تأثیر دارد.	
	مرز	بروز درگیریهای مرزی و کشته شدن مرزبان‌ها موجب واگرایی دو کشور شده است.	
	هویت ملی	هویت‌سازی آذربایجان از طریق حذف مشترکات تاریخی، فرهنگی و دینی با جمهوری اسلامی ایران در واگرایی دو کشور مؤثر است.	
	مداخله رقابتی منطقه‌ای	حمایت روسیه از ارامنه در بحران قره‌باغ موجب واگرایی ایران و آذربایجان شده است.	
	مداخلات قدرت‌های جهانی	آمریکا با حذف ایران از مسیر انتقال نفت و گاز خزر موجب واگرایی دو کشور است.	
		آمریکا با اعمال تنبیهات ضد ایرانی و ممانعت از بهره داری از فرصت کمکرسانی به آوارگان آذری برای فعالیت‌های فرهنگی ایران در اردوگاه‌ها موجب واگرایی دو کشور شده است.	
	رقابت رقابتی منطقه‌ای	همسویی گرجستان با آمریکا و آذربایجان حذف ایران از مسیر ارتباطی بر واگرایی دو کشور مؤثر بوده است.	
	رقابت قدرت‌های منطقه‌ای	حضور فرهنگی اسرائیل در آذربایجان خصوصاً نواحی مرزی ایران موجب واگرایی فرهنگی دو کشور می‌باشد	
	منافع متعارض دو کشور	حساسیت آذربایجان نسبت به نمادهای مذهبی نظیر حجاب و پخش اذان موجب واگرایی دو کشور می‌باشد.	
مؤلفه‌های جغرافیای انسانی (فرهنگی اجتماعی)	فرهنگی	آمریکا با فرهنگ جهانی (سکولاریسم) و حمایت از اتحادیه گوام موجب واگرایی فرهنگی دو کشور گردیده است.	صاحب نظران
		آمریکا باهدف " قلمرو سازی با حمایت از اقدامات مؤسسات فتح‌الله گولن موجب واگرایی فرهنگی دو کشور شده است.	
		اتحادیه اروپا با فعالیت فرهنگی در پوشش کمکرسانی به آوارگان آذری موجب واگرایی آذربایجان نسبت به ایران گردیده است.	
مؤلفه‌های جغرافیای انسانی (نژاد و قومیت)	ناسیونالیسم قوم‌گرایی	آذری و ایرانی موجب واگرایی دو کشور می‌باشد.	صاحب نظران
	رقابت رقابتی منطقه‌ای	اقدامات ترکیه در آذربایجان با ترویج پان‌ترکیسم بر واگرایی دو کشور تأثیر داشته است.	
		اسرائیل با استفاده از اقلیت یهودی آذربایجان و گسترش روابط فرهنگی با آذربایجان موجب واگرایی ایران و آذربایجان است .	
		با مطرح شدن ارمنستان بزرگ وجود اقلیت ارمنی در ایران موجب واگرایی آذربایجان نسبت به ایران می‌باشد.	

۵. تجزیه و تحلیل

در این مرحله از پژوهش داده‌ها خلاصه، کدبندی، دسته‌بندی و درنهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل و ارتباطها بین این داده‌ها به‌منظور آزمون فرضیه پژوهش فراهم آید. پس از دسته‌بندی و خلاصه نمودن مطالب ۲۳ عامل در واگرایی ایران و آذربایجان احصاء گردید و در قالب پرسش‌نامه در اختیار جامعه نمونه آماری قرار گرفت. در ادامه نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش ارائه می‌گردد.

فرضیه پژوهش: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر واگرایی فرهنگی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان شامل منافع جغرافیای متعارض، مداخله کشورهای برون منطقه و رقابت ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای دو کشور است.

تبیین افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان (به‌عنوان متغیر وابسته):

در تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بینی کننده بر اساس اهمیت آن‌ها در تبیین میزان افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان، وارد معادله می‌شوند. جهت وارد شدن متغیرها در معادله رگرسیون، باید متغیرها در سطح فاصله‌ای باشند. به همین جهت متغیرهایی که در سطح سنجش کیفی موردسنجش قرار گرفته‌اند، با استفاده از متغیرهای ظاهری (dummy variable) به متغیرهای فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. در رگرسیون چند متغیره به روش گام‌به‌گام (Stepwise) تا جایی متغیرها وارد معادله می‌شوند که دیگر کمکی به پیش‌بینی نکنند و سطح معناداری به ۰/۰۵ برسد. طبق خروجی رگرسیون چندگانه به ترتیب مؤلفه‌های جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی در معادله باقی‌مانده‌اند و مؤلفه‌های مداخله قدرت‌های جهانی، مداخله رقبای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای از معادله خارج شده‌اند. همان‌طور که از جدول ذیل برمی‌آید، تحلیل رگرسیون برم بنای روش گام‌به‌گام یا قدم‌به‌قدم (Stepwise)، تا ۲ گام پیش رفته است:

✓ در گام اول جغرافیای طبیعی وارد معادله شده است که میزان ضریب همبستگی آن با متغیر وابسته $R = 0/776$ به‌دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/601$ ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با $Adjusted R^2 = 0/597$ به‌دست آمده است.

✓ در گام دوم با وارد شدن دومین مؤلفه یعنی جغرافیای انسانی، ضریب همبستگی چندگانه به $R = 0/850$ ضریب تعیین به $R^2 = 0/723$ و ضریب تعیین تعدیل‌شده به $Adjusted R^2 = 0/717$ افزایش یافته است.

همچنین میزان F در جدول سوم یعنی جدول Anova در سطح ۹۹ درصد ($sig=0/000$) معنی‌دار شده است که حاکی از معنی‌دار بودن رگرسیون می‌باشد. اما قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از متغیرها در تبیین افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان را باید به مقادیر Beta و t-آماره کرد. زیرا این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد:

✓ بر اساس بتای به‌دست آمده برای مؤلفه جغرافیای طبیعی، به ازای یک واحد

تغییر در انحراف معیار متغیر یادشده، به اندازه ۰/۷۷۶ واحد در انحراف معیار افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان تغییر ایجاد می‌گردد.

✓ بر اساس بتای به‌دست‌آمده برای مؤلفه جغرافیای انسانی، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیر یادشده، به اندازه ۰/۳۹۴ واحد در انحراف معیار افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان تغییر ایجاد می‌گردد.

جدول ۲: خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل مؤثر برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی

Stepwise	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	B	Std. Error	Beta	Sig
جغرافیای طبیعی	0/776	0/601	0/597	0/264	0/752	0/062	0/776	0/000
جغرافیای انسانی	0/850	0/723	0/717	0/221	0/350	0/054	0/394	0/000

جدول ۳: معادله رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی افزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی

$Y = b_1(X_1) + b_2(X_2)$	
$Y = 0/752 (x_1) + 0/350 (x_2)$	
B	ضریب رگرسیون غیراستاندارد
X	متغیرهای مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند
Y	مقداری از متغیر وابسته که درنهایت توسط متغیرهای داخل معادله پیش‌بینی می‌شود

جدول ۴: متغیرهای خارج از معادله در مرحله نهایی رگرسیون چندمتغیره

Excluded Variables Model	Beta In	T	Sig.	Partial Correlation	Collinearity Statistics
					Tolerance
مداخله قدرت‌های جهانی	0/340	4/843	0/065	0/187	0/456
مداخله رقابتی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای	0/273	4/466	0/191	0/133	0/599

در تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام، متغیرها تا زمانی وارد معادله رگرسیون می‌شوند که سطح معناداری آن‌ها به ۰/۰۵ برسد. در جدول متغیرهای خارج از معادله در مرحله نهایی رگرسیون چندمتغیره، متغیرهایی که سطح معنی‌داری‌شان بالای ۰/۰۵ است، از معادله رگرسیون خارج‌شده‌اند و تأثیری برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان نداشته‌اند.

تحلیل مسیر به روش جبری در رگرسیون چندگانه:

تکنیک تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های کاربردی در رگرسیون چندمتغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، بر مبنای رگرسیون چند متغیره به روش جبری (Enter) در تحلیل وارد می‌کند. در تحلیل مسیر، مدل علی حاصل از تحقیق در یک دیاگرام مسیر به نمایش درمی‌آید. دیاگرام مسیر برای بیان تصویری روابط بین متغیرهای موردنظر در تحلیل مسیر بکار می‌رود. نمودار مسیر ترکیبی از مجموع مسیرها است که به صورت پیکان‌های یک‌طرفه، متغیرهای مستقل را به متغیر وابسته وصل می‌کند. هر کدام از این مسیرها، با یک ضریب مسیر مشخص می‌شوند. ضریب مسیر، همان بتا (Beta) در تحلیل رگرسیون است که بیانگر سهم یا وزن هر متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته است. در اجرای تحلیل مسیر متغیرهایی که ضریب رگرسیون معنی‌دار دارند در مدل باقی می‌مانند و متغیرهایی را که مقدار بتای آن‌ها در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار نشود، از مدل حذف می‌شود. در تحلیل مسیر، برای ارزیابی مدل از آماره R^2 استفاده می‌شود. در کنار R^2 از طریق کمیت خطا e^2 نیز می‌توانیم مناسب بودن مدل را ارزیابی کنیم. کمیت یا میزان خطا (e^2) که عبارت از $1 - R^2$ می‌باشد، نشان‌دهنده میزانی از واریانس متغیر است که متغیرهای مقدم آن را تبیین نکرده‌اند. در این پژوهش، با توجه به مدل تحلیل مسیر پژوهش، آزمون رگرسیون در چند مرحله انجام شده است. تحلیل مسیر به عنوان روشی برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کار برده می‌شود و درواقع تکنیکی است برای درک عاملیت و نمایش الگوی روابط علی در میان متغیرها که به کمک آن، روابط علی میان متغیرهای مشخص شده در مدل، مورد آزمون قرار می‌گیرد:

۱. خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری- عوامل مؤثر برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان؛
۲. خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری- عوامل مؤثر بر میزان مؤلفه‌های جغرافیای طبیعی؛
۳. خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری- عوامل مؤثر بر میزان مؤلفه‌های جغرافیای انسانی؛
۴. خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری- عوامل مؤثر بر میزان مداخله قدرت‌های جهانی؛
۵. خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری- عوامل مؤثر بر میزان مداخله رقبای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای.

جدول ۵: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر

انواع تأثیر ضرایب مسیر (β_i) برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان						عوامل مؤثر برافزایش اثربخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچرایران و آذربایجان
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	اثرات غیرمستقیم					
	جغرافیای طبیعی	جغرافیای انسانی	مداخله قدرت‌های جهانی	مداخله رقبای منطقه‌ای	اثربخش ی	

1/76	0/771	0/127	0/204	0/108		0/550	جغرافیای طبیعی
1/408	0/432	0/293	0/276		0/113	0/294	جغرافیای انسانی
0/956	0/186	0/274		0/279	0/217	-	مداخله قدرت‌های جهانی
1/051	0/108		0/367	0/396	0/180	-	مداخله رقبای منطقه‌ای
1/023		0/054	0/125	0/294	0/550	-	اثر بخشی
	1/497	0/748	0/972	1/077	1/06	0/550 0/294	مجموع اثرات متغیرها در هر مسیر برافزایش اثر بخشی

طبق جدول فوق سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر برافزایش اثر بخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان، به ترسیم نیکوئی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی‌ترین تأثیر برافزایش اثر بخشی مؤلفه‌های جغرافیایی بر واگرایی در حوزه ژئوکالچر ایران و آذربایجان، می‌توان به تأثیر مستقیم مؤلفه‌های جغرافیای طبیعی (+۰/۵۵) و جغرافیای انسانی (+۰/۲۹۴) و اثرات غیرمستقیم مؤلفه‌های مداخله قدرت‌های جهانی (+۰/۱۲۵)، مداخله رقبای منطقه‌ای (+۰/۰۵۴)، اشاره نمود. در این راستا با توجه به مقدار واریانس متغیر وابسته و برآورد کمیت خطا ($e=0.821$) برای محاسبه واریانس تبیین نشده متغیرهای باقیمانده یا بیرونی یا خارج از مدل که تأثیر معناداری را در این مدل تجربی نشان نمی‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال شناسایی مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر واگرایی فرهنگی ایران و جمهوری آذربایجان در حوزه ژئوکالچر آغاز گردید و فرایند تحقیق بر اساس یک روش علمی استاندارد در جهت دستیابی به پاسخ مسئله اصلی و اثبات فرضیه پژوهش با طراحی، توزیع و تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته با ۲۳ گویه تکمیل و در نهایت شاخص‌های تأثیرگذار زیر را احصاء نمود:

در حوزه جغرافیای طبیعی و انسانی (منافع جغرافیای متعارض):

- آلوده سازی دریای خزر توسط آذری‌ها؛
- همکاری با شرکت‌های آمریکایی در زمینه منابع انرژی دریای خزر؛
- عدم تفاهم در مورد تقسیم خزر؛
- اقدام آذربایجان برای طرح درخواست ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی؛
- درخواست آذربایجان برای ثبت مفاخر فرهنگی مشترک؛
- حساسیت‌های ایران نسبت به حضور بیگانگان در حوزه تمدنی تاریخی خود؛
- بروز درگیری‌های مرزی و کشته شدن مرزبان‌ها؛
- هویت‌سازی آذربایجان از طریق حذف مشترکات تاریخی، فرهنگی و دینی؛
- حساسیت آذربایجان نسبت به نمادهای مذهبی نظیر حجاب و پخش اذان؛
- ناسیونالیسم قوم‌گرایی آذری و ایرانی.

در حوزه مداخله کشورهای برون منطقه:

- حمایت‌های آمریکا از آذربایجان در زمینه عدم تفاهم در مورد رژیم حقوقی دریای خزر؛
- حذف ایران از مسیر انتقال نفت و گاز خزر با دخالت آمریکا؛
- اعمال تنبیهات ضد ایرانی و ممانعت از بهره‌داری از فرصت کمک‌رسانی به آوارگان آذری برای فعالیت‌های فرهنگی ایران در اردوگاه‌ها؛
- فرهنگ جهانی (سکولاریسم) و حمایت از اتحادیه گوام؛
- حمایت از اقدامات مؤسسات فتح‌الله گولن باهدف قلمروسازی؛
- فعالیت فرهنگی اتحادیه اروپا در پوشش کمک‌رسانی به آوارگان آذری.

در حوزه رقابت ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای دو کشور:

- همسویی گرجستان با آمریکا و آذربایجان در حذف ایران از مسیر ارتباطی؛
 - حضور فرهنگی اسرائیل در آذربایجان خصوصاً نواحی مرزی ایران؛
 - اقدامات ترکیه در آذربایجان با ترویج پان‌ترکیسم؛
 - استفاده اسرائیل از اقلیت یهودی آذربایجان و گسترش روابط فرهنگی؛
 - مطرح‌شدن ارمنستان بزرگ باوجود اقلیت ارمنی در ایران.
- پیشنهاد می‌گردد با توجه به تأثیرات انکارناپذیر منافع متعارض ناشی از عناصر جغرافیایی بر واگرایی در روابط فرهنگی برآثر رقابت دوجانبه و حضور بازیگران منطقه‌ای وجهانی، انجام تحقیقات مداوم و مستمر در زمینه پایش کدهای بازیگران فعال همواره صورت پذیرد تا با بهره‌گیری از نتایج آن ایجاد همگرایی منطقه‌ای با توسعه حوزه ژئوکالچر جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان محقق شود.

7. منابع

- [۱] شرفی، حجت‌الله، (۱۳۹۴). آینده‌پژوهی در مدیریت شهری با تأکید بر شهرهای اسلامی و ایرانی، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری و شهر، تهران، ۸.
- [۲] حافظ‌نیا، محمدرضا، احمدی‌پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴). سیاست و فضا، انتشارات پاپلی، ۶۲، ۹۱، ۱۲۰، ۱۴۴، ۱۲۴، ۳۱۰.
- [۳] سنایی، مهدی، (۱۳۸۵). نشست گروه گفتگوی راهبردی روسیه- جهان اسلام، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶، ۴۳، ۵۴.
- [۴] مسرور، سید امیرحسین، حمزه، فرهاد، حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۸). رساله دکتری، تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی تأثیرگذار بر حوزه ژئوکالچر ایران و جمهوری آذربایجان، تهران مرکزی، ۱۴۴، ۸۷، ۴۷.
- [۵] واحدی، الیاس (۱۳۸۲). برآورد استراتژیک آذربایجان، مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۳۲۰، ۲۱۳، ۶۶، ۶۸.
- [۶] افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۸). ساختار نظام قدرت منطقه ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر)، مدرس علوم انسانی، پاییز، شماره ۸۹، ۷۶، ۹۵، ۶۲، ۱۵.
- [۷] امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۲). شکل عرصه جدید ژئواستراتژیک در آسیا، دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، ۱۴.
- [۸] افضلی، رسول، (۱۳۹۴). عناصر و مؤلفه‌های قلمرو سازی گفتمانی در ژئوپلیتیک انتقادی پژوهش‌های جغرافیای انسانی دوره ۴۷ شماره ۳ پائیز، ۱۵۷، ۴۸، ۱۲.
- [۹] موسوی، سید رسول، (۱۳۸۲). سازوکارهای امنیتی در قفقاز جنوبی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ویژه‌نامه امنیت در قفقاز، وزارت امور خارجه، تهران سال یازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان، ۹۰.

- [۱۰] عباسی، ابراهیم، (۱۳۹۱). عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان، فصلنامه ژئوپلیتیک سال هشتم، شماره سوم، پاییز، ۶۷.
- [۱۱] فرحزادی، زهرا، (۱۳۸۷). پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان تأثیر روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، رشته جغرافیای سیاسی، استاد راهنما مهدی ذاکریان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۷.
- [۱۲] چابکی، ام البنین، (۱۳۸۸). چالش های روابط ایران و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۲، تابستان و پاییز، ۷۶-۷۸.
- [۱۳] کرمزادی، مسلم، (۱۳۹۶). تبیین زمینه های همگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و چالش های آن از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ م، مطالعات اوراسیای مرکزی دوره دهم، شماره یک بهار و تابستان، ۱۷۱-۱۸۸.
- [۱۴] قادری حاجت، مصطفی، حمیدرضا نصرتی، (۱۳۹۱). اهداف ژئوپلیتیکی قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای در آسیای مرکزی، فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره دوم، تابستان، ۱۴۵.
- [۱۵] حسینی، میر عبدالله، (۱۳۹۷). مطالعه شاخص های توسعه کشورهای ساحلی خزر در فرایند همگرایی منطقه ای، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره یکم، بهار و تابستان، ۴۶، ۸۷.
- [۱۶] واثق، محمود، احمدی، سید عباس، (۱۳۹۲). نگرشی اسلامی به نقش فرهنگ در توسعه قلمرو نفوذ کشورها در فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره اول، بهار، ۹۰، ۶۰.
- [۱۷] زین العابدین، یوسف، صابر، زهرا، (۱۳۹۲). تحلیل زمینه های علایق ژئوپلیتیک ایران در جمهوری های آذربایجان و ترکمنستان با استفاده از مدل سنجش ماتریس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۹، شماره ۲، تابستان، ۶۷.
- [۱۸] نکویی، سید احمد و میرهادی موسوی، (۱۳۹۳). جنبش گولن و عملکرد آن در جمهوری آذربایجان از منظر بسیج منابع و تعهد اجتماعی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸، زمستان، ۳۹، ۴۱.